

دعای روز ششم

اللَّهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَضْرِبْنِي بِسِيَّاطِ نِقْمَتِكَ وَ زَحْزِحْنِي فِيهِ مِنْ
مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ وَأَيَادِيكَ يَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِيِينَ:

خدایا! مرا در این روز به واسطه ارتکاب عصیان، خوار مساز و به ضرب
تازیانه قهرت، کیفر مکن و از موجبات خشم و غضبت، دور گردان. به حق
احسان و نعمت‌های تو به خلق، ای منتهای اشتیاق مشتاقان.

ترجمه منظوم دعا

ای خدا ای خالق طبع و مزاج	اندر این مه درد ما را کن علاج
سعی ما را اندر او مشکور دار	مزد ما را کن عطا با ابتهاج
هم بیامرز اندر او عصیان ما	قبر ما روشن بفرما بی سراج
جمله اعمال ما را کن قبول	ناقص و کامل بشرط الامتزاج
از تفضل، کل آن مقبول دار	هرچه باشد ضد اموال حراج
گرچه حکم عدل باشد مقتضی	بهر رد آنچه دارد اعوجاج
هم در این مه عیب ما پوشیده دار	تا به قلب کس نیاید اختلاج
از غبار لطف مقداری فرس	تا بپوشد عیب‌ها چون لیل داج
کرده ما را نقص ذاتی مضطرب	گشته باعث بهر هم و انزعاج
ای تو شنواتر ز کل سامعین	کن ز ما یارب تو رفع احتیاج

فقره اول دعا

اللَّهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ:

خدایا! مرا به دلیل انجام‌دادن گناهان خوار نکن.

گناه چیست؟

در زبان فارسی از گناه با واژه‌هایی چون معصیت، جرم، بزه، خطا، عصیان، خبط، نافرمانی و... یاد شده است. در فرهنگ قرآن، گناه بسته به نوع و ماهیت آن، با تعابیری مثل سیئه، شر، معصیت، فسق، خطیئه، فجور، وزر (بار سنگین)، جرم، حوب (گناه، نیاز، فقر)، لِمَم (بار سنگین)، حنث (شکستن وعده‌ها) و فساد کاربرد یافته است. اما معنای عامی که همه معانی یاد شده را فرا می‌گیرد، مطلق نافرمانی و قانون‌گریزی است که انواع قوانین طبیعی، الهی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد و قانون‌گریزی سبب عقوبت دنیوی یا اخروی و یا هردو می‌باشد.

اقسام گناه:

گناهان به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. گناهان اعتقادی: مانند شرک به خداوند یا غلو درباره امامان؛
۲. گناهان قلبی: مانند ریا، تکبر، غرور، حسادت؛
۳. گناهان اعضاء و جوارح: مانند تهمت، غیبت، زنا، قتل. باید توجه داشت هر گناهی به نوبه خود موجبات خشم و کیفر الهی را فراهم می‌سازد.

امام کاظم علیه السلام در این باره می‌فرماید «در هر شب و روز از جانب خداوند ملکی ندا می‌دهد: ای بندگان خدا! از نافرمانی خدا باز ایستید، زیرا اگر به دلیل حیوانات چرنده و کودکان شیرخواره و سال‌خوردگان پشت خمیده نبود، چنان عذابی برای شما ریخته می‌شد که خُرد و خمیر می‌شدید»^۱.

۱. کافی؛ ج ۲، ص ۲۷۶.

گناه سبب ذلت و خواری انسان در دنیا و آخرت:

در قرآن می‌خوانیم «وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ»^۱.

ای خدا! قلب من را با بندگی خودت آباد کن و کمکم کن با معصیت تو، خوار و ذلیل و درمانده نشوم.

گناهان انسان را خوار و ذلیل می‌کند. اگر بر فرض هم که در دنیا خوار و ذلیل نشد، در آخرت می‌شود.

انسان مختار آفریده شده است تا خود از روی اختیار عبادت خدا را انجام دهد و دست از معصیت کشیده و از عذاب و خشم و کيفر الهی، خود را نجات دهد. در این فقره از دعا از خدا می‌خواهیم که ما را از معصیت دور کند و عواملی که ما را به سمت گناه می‌کشاند، از مقابلمان بردارد؛ ولی اگرچه خداوند انسان را مختار آفریده و تلاش خود انسان برای مبارزه با گناه بسیار مهم است؛ اما انسان می‌تواند با دعای خالصانه از خداوند بخواهد تا او را به مسیر تقوی و دوری از گناه هدایت کند.

پس افزون بر تلاش و مبارزه با نفس و جهاد با شیطان، باید با دعا و تضرع، توفیق ترک گناه را از خداوند بخواهیم که هر چه هست، در «ترک گناه» است.

حضرت سیدالشهداء علیه السلام در فرازی از دعای عرفه می‌فرماید:

«...وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوَيْكَ وَ لَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ»: ^۲ خداوندا! مرا با پرهیزکاری،

خوشبخت نما و مرا به دلیل معصیت، بدبخت نکن... .

اثر وضعی گناه در دنیا:

گناه دارای آثار وضعی است و افزون بر عقوبت اخروی، نکبت‌هایی هم در دنیا به دنبال دارد. این امر از مسلمات است که کردار انسان، چه خوب و چه بد، انعکاس‌هایی در همین دنیا هم دارد. به تعبیر دیگر، یکی از حکمت‌های الهی در نظام آفرینش این است که نظام هستی نسبت به کردارهای انسان بی‌تفاوت نیست و در برابر نیک و بد اعمال آدمی، واکنش مناسب نشان می‌دهد. قرآن مجید می‌فرماید:

۱. مفاتیح الجنان؛ صلوات مرویه از حضرت امام زین العابدین.

۲. همان؛ دعای امام حسین در روز عرفه.

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»^۱ اگر آدمیان پارسایی پیشه می‌ساختند، همواره نعمت‌ها و برکات را از آسمان و زمین برایشان فرو می‌ریختیم.

و در جای دیگر می‌فرماید:

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ»^۲ و هر گرفتاری که به شما رسد، به دلیل اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند.

حضرت امیر علیه السلام می‌فرمایند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«خیر آیه فی کتاب الله هذه الآیه»^۳ بهترین آیه در قرآن همین آیه است.

سپس فرمودند: «یا علی! ما من خدش عود و لا نكبه قدم الا بذنب» ای علی! هر خراشی که از چوبی به انسان می‌رسد و هر لغزش قدمی، بر اثر گناهی است که از او سرزده است.

مکافات‌های دنیایی گناه:

مجازات‌هایی که با گناه، رابطه تکوینی و طبیعی دارد، بسیاری از گناهان، اثرات وضعی ناگواری در همین جهان برای گناهکار در پی دارد. کارهایی که مربوط به مخلوق خداست، خواه نیکی و احسان باشد یا بدی و آزار به مردم، غالباً در همین دنیا پاداش و کیفری دارد، بی آنکه چیزی از جزای اخروی آنها کم گردد. مثلاً بدی کردن با پدر و مادر، در همین جهان کیفر دارد به ویژه اگر این بدی، کشتن آنها باشد. حتی اگر پدر و مادر انسان کافر یا فاسق هم باشند، باز هم بدی نسبت به آنها بدون واکنش نمی‌ماند.

۱. اعراف: ۹۶.

۲. شوری: ۳۰.

۳. اصول کافی؛ ج ۲، ص ۲۶۹.

متوکل از پلیدترین خلفای عباسی بود. او در مجالس انس و عیش خود، علی علیه السلام را مسخره می‌کرد و دلقک‌های او تقلید علی علیه السلام را کرده و مسخرگی می‌کردند و در اشعار خویش به او اهانت می‌کردند. فرزندش منتصر، زمانی که شنید پدرش حضرت فاطمه علیها السلام را دشنام می‌دهد، از بزرگی پرسید: مجازاتش چیست؟ او گفت: قتلش واجب است؛ ولی بدان! هرکس پدرش را بکشد، عمرش کوتاه خواهد شد. منتصر گفت: من باکی ندارم تا در راه اطاعت خداوند، عمرم کوتاه گردد. پس پدرش را کشت و پس از آن، هفت ماه بیشتر زنده نماند.^۱

همان‌گونه که عبادت و بندگی خدای متعال، سعادت دنیا و آخرت و همچنین آرامش دل و جان را به ارمغان می‌آورد، گناه و معصیت نیز شقاوت و خسران دنیا و آخرت و همچنین دلهره، ترس، اضطراب و صدها پیامد ناخوشایند دیگر به بار می‌آورد. به گونه‌ای که پیامدهای شوم آن، فقط در آخرت دامنگیر فرد گناهکار نمی‌گردد؛ بلکه آثار زیان‌بار آن در دنیا نیز رخ می‌نمایند.

پیامدها و عواقب گناه از دیدگاه روایات

یکی از راه‌هایی که می‌توان ابتلا به گناه و معصیت را کاهش داد، تبیین پیامدهای گناه و معصیت می‌باشد؛ زیرا با آگاهی از پیامدهای شوم آن، کمتر کسی جرئت ارتکاب آن را به خود می‌دهد.

۱. استجاب نشدن دعا:

گناه به چند گونه در مستجاب نشدن دعا اثر می‌گذارد:

- سلب توفیق دعا و مناجات:

عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنَبُ الذَّنْبَ فَيَمْنَعُ بِهِ مِنْ قِيَامِ اللَّيْلِ»^۲: آدم گناهی می‌کند و در اثر آن از خواندن نماز در شب محروم می‌گردد.

- از بین رفتن حال خوش معنوی هنگام دعا: در روایت وارد شده است:

۱. سفینه البحار؛ ماده «وکل».

۲. بحار الأنوار؛ ج ۷۰، باب ۱۳۸، ص ۳۶۶.

«... إِنَّ أَدْنَىٰ مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ»^۱: اگر عالمی به علمش عمل نکند، کمترین عذابی که خدا برای او در نظر می‌گیرد، این است که حلاوت مناجات با خدا از او گرفته می‌شود.

– **محدودشدن افق فکری:** معطوف‌شدن ذهن به خواسته‌های کوچک و فراموش کردن خواسته‌های بزرگ و مورد نیاز.

– **یأس از اجابت دعا:** امید و باور به اجابت را سلب می‌کند و این خود مانع استجاب دعا می‌شود.

– **حق الناس:** برخی از گناهان، حق الناس به گردن می‌آورد و با نفرین افراد صاحب حق، دعا مستجاب نمی‌شود.

– **باعث عاق والدین:** برخی از گناهان موجب عاق والدین می‌شود و این گونه دعا بی‌فایده می‌گردد.

– **طولانی‌شدن مدت استجاب:** برخی از گناهان به خودی خود زمینه استجاب دعا را تا مدت‌ها از بین می‌برند؛ مثل غیبت‌کردن و نوشیدن شراب که تا چهل روز دعای شخص را بی‌اثر می‌گذارد.

امام باقر علیه السلام:

«إِنَّ الْعَبْدَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْحَاجَةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ قَضَاؤُهَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ أَوْ إِلَىٰ وَقْتٍ بَطِيءٍ فَيَذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْبًا فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ لِلْمَلِكِ لَأَقْضِي حَاجَتَهُ وَاحْرَمَهُ إِيَّاهَا فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي وَاسْتَوْجَبَ الْحَرَمَانَ مِنِّي»^۲: بنده‌ای از خداوند حاجت می‌خواهد و آن حاجت هم رواشدنی می‌باشد؛ ولی صاحب حاجت گناهی مرتکب می‌گردد و خداوند به فرشته امر می‌کند حاجت او را ندهد؛ زیرا او مرتکب گناه شده و از آن خواسته محروم شده است.

۱. اصول کافی؛ ج ۱، ص ۴۶.

۲. بحار الأنوار؛ ج ۷۰، باب ۱۳۷، ص ۳۰۸.

۲. افتادن از چشم خوبان:

انسان گناهکار، محبتش در دل خوبان جای نمی‌گیرد و همین باعث می‌شود که از دعای آنان محروم گردد. یکی از این گناهان، پرداختن به عیوب دیگران است. امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«مَنْ تَتَّبَعَ خَفِيَّاتِ الْعُيُوبِ حَرَمَهُ اللَّهُ مَوَدَّاتِ الْقُلُوبِ» هر که دنبال پنهانی‌های عیوب باشد، خداوند او را از دوستی دل‌ها محروم گرداند.

۳. بغض اولیاء دین:

یکی از آثار وضعی گناهان، بغض اولیای دین است و شاید از یک نظر، مخرب‌ترین اثر گناه باشد؛ زیرا از ولایت خدا به ولایت شیطان می‌رود. حرام‌خواری یکی از مهم‌ترین معاصی است که دشمنی با اولیای دین را موجب می‌شود. امام حسین علیه السلام در روز عاشورا بعد از آنکه شقاوت دشمن را دیدند، فرمودند: «آنچه که شما را به جنگ با فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده، این است که شکم‌هایتان را از مال حرام انباشته‌اید؛ بنابراین گوش دلتان کر شده و صدای حق و مظلومیت را نمی‌شنوید».^۲

۴. خشکسالی و نازل نشدن باران:

از جمله آثار وضعی گناه، خشکسالی است. یکی از گناهانی که سبب نازل نشدن باران می‌شود، نپرداختن زکات است.^۳

۵. گناه و نزول بلا و مصیبت:

گناه، خود آفت و بلا برای مسیر حیات طیبه است؛ ولی موجب نزول بلا و مصیبت بر فرد و جامعه هم می‌شود.

۱. غررالحکم؛ ص ۶۸۳.

۲. قصه کربلا به ضمیمه قصه انتقام؛ علی نظری منفرد.

۳. اصول کافی؛ ج ۴، ص ۸۱.

قرآن کریم به وضوح به این ارتباط اشاره می‌کند:

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ»^۱ مصیبتی که به شما رسیده است، به سبب چیزی است که دست‌هایتان کسب نموده و خداوند از بسیاری از خطاهای شما در می‌گذرد.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «كُلَّمَا أَحْدَثَ الْعِبَادُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحْدَثَ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ»^۲.

هرگاه بندگان گناहانی انجام دهند که پیش از آن، مرتکب چنین گناهانی نمی‌شدند، بلاهایی برای آنها پیش می‌آید که پیش از آن، چنین بلاهایی را سراغ نداشتند.

۶. گناه و نسیان و فراموشی:

گناه موجب نسیان و فراموشی می‌شود. البته فراموشی مراتبی از ضعف قوه حافظه و ذاکره، تا فراموشی آموخته‌ها و فراموشی نعمت‌های الهی دارد. یکی از عقوبت‌های الهی برای گناهکاران، ضعف قوه یادآوری است.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«اتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّهَا مَمْحَقَةٌ لِلْخَيْرَاتِ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَنْسِي بِهِ الْعِلْمَ الَّذِي كَانَ قَدْ عَلِمَهُ»^۳ از گناهان بپرهیزید؛ چون گناهان باعث از بین رفتن خیرات می‌شود. همانا بنده‌ای مرتکب گناهی می‌شود و آن باعث می‌شود علمی را که قبلاً آموخته بود، فراموش کند.

۱. شوری: ۳۰.

۲. اصول کافی؛ چاپ قدیم، ص ۴۴۲.

۳. میزان الحکمه؛ ج ۳، ص ۴۶۵.

۷. کوتاهی عمر:

عمر بزرگ‌ترین سرمایه اهل ایمان برای کسب درجات عالیه است. بنابراین اولیای الهی همیشه طول عمر طلب می‌کردند: «أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي فِي طَاعَتِكَ»؛^۱ همچنان که پاره‌ای از اعمال صالح مثل صلّه رحم، موجب زیادی عمر است، برخی از گناهان نیز موجب کوتاهی عمر می‌شوند. آه و نفرین صاحبان حق و مظلومان از مؤثرترین عوامل کاهش عمر است. البته اجل بر دو نوع است: مقدر و معلق. اجل مقدر پایان طبیعی عمر آدمی است و به هیچ وجه نمی‌توان آن را تغییر داد؛ ولی اجل معلق، مرگ زودرس است که با ارتکاب گناهان و یا اعمال صالح، تغییر می‌کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نَعُوذُ بِاللَّهِ عَنِ الذَّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَ تُقَرِّبُ الْأَجَالَ وَ تَخْلِي الدِّيَارَ وَ هِيَ قَطِيعَةُ الرَّحْمِ وَ الْعُقُوقِ وَ تَرَكُّ الْبِرِّ»: پناه می‌برم به خدا از گناهانی که مایه تسریع در نابودی است. گناهانی که مرگ‌ها را نزدیک کرده و خانه‌ها را ویران می‌کند. آن گناهان، قطع رحم، آزردن پدر و مادر و ترک نیکی و احسان است.

۸. فقر و گناه:

گناه یکی از عوامل مهم فقر است. چه فقر مادی و تنگدستی معیشتی و چه فقر معنوی و تهی دستی روح آدمی. ماهیت بعضی از گناهان، هزینه بر است و بار مالی دارد؛ مثل ربا دادن، رشوه دادن، قمار و... همچنین اساساً گناه نعمت را از کف می‌برد و رزق و روزی را کم می‌کند.

۱. بحار الانوار؛ ج ۹۴، ص ۳۵۸.

۲. اصول کافی؛ ج ۲، ص ۴۴۸، ح ۲، باب تفسیر الذنوب.

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَذُنُّبُ الذَّنْبِ فَيُحْرَمُ بِهِ الرِّزْقَ وَقَدْ كَانَ هَنِيئًا لَهُ»^۱

گناه موجب می‌شود که انسان از رزق و روزی محروم گردد.

۹. حیرت و سرگردانی:

حیرت دو معنا دارد: حیرت مثبت و سازنده که انسان با تفکر در عظمت الهی حیران می‌گردد. در دعای شریف ندبه می‌خوانیم:

«إِلَى مَتَى أَحَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ» و دیگری حیرت منفی که از آثار و عقوبت غضب الهی است که انسان به سرگردانی می‌افتد و قدرت تشخیص خوب از بد را ندارد و نظام فکری‌اش مختل می‌شود. حکایت چهل سال سرگردانی بنی اسرائیل به دلیل نافرمانی، نمونه‌ای از این حیرت است.

حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «لقد استهام بكم الخبيث»^۲ شیطان خبیث، شما را به حیرت می‌اندازد.

۱۰. تسلط اشرار و ستمگران:

برخی از گناهان باعث تسلط اشرار می‌شوند. به طور نمونه:

- ترک امر به معروف و نهی از منکر. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيُؤَلِّيَ عَلَيْكُمْ أَشْرَارَكُمْ»^۳.

- اطاعت نکردن از رهبری و خیانت به امام. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«وَلَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ»^۱ اگر از برگزیده‌های اهل بیتم پیروی نکنند، خداوند ناپاکان و اشرار آنها را بر آنها مسلط می‌گرداند.

۱. همان.

۲. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۳۳.

۳. بحار الانوار؛ ج ۷۴، ص ۴۰۷، ح ۳۶.

۱۱. رسوایی در دنیا

به طور نمونه: آثار خیانت در بیت‌المال:

امام علی علیه السلام در نامه بیست و ششم، ضمن بیان برخی از توصیه‌ها و سفارش‌ها برای مأموران مالیاتی، درباره خیانت به بیت‌المال، این خیانت را مساوی با خیانت به امت اسلامی دانسته و سپس در ارتباط با آثار و پیامدهای خیانت به بیت‌المال می‌فرماید:

«مَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَ رَتَعَ فِي الْخِيَانَةِ وَ لَمْ يُنْزِهِ نَفْسَهُ وَ دِينَهُ عَنْهَا، فَقَدْ أَحْلَىٰ بِنَفْسِهِ الذَّلَّ وَ الْخِزْيَ فِي الدُّنْيَا وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ أَذَلُّ وَ أَخْزَىٰ»^۳ کسی که امانت الهی [بیت‌المال] را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند و خود و دین خویش را پاک نسازد، درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود.

۱۲. ذلت در پیشگاه الهی و پستی در آخرت

حضرت علی علیه السلام از جمله آثار و پیامدهای خیانت در بیت‌المال را خواری در محضر مقام ربوبی و پستی در عالم آخرت دانسته است. حضرت درباره عدالت و دادگری می‌فرماید:

«لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ أَلَا وَ إِنِّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ وَ هُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَ يُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَ يُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ»^۲ اگر اموال [بیت‌المال] از خودم بود، به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزء اموال خداست! آگاه باشید! بخشیدن مال به آنان که استحقاق ندارند،

۱. اصول کافی؛ ج ۲، ص ۳۷۴، ح ۲، فی عقوبات المعاصی.

۲. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۲۶.

زیاده‌روی و اسراف است، [هرچند] ممکن است در دنیا، ارزش دهنده آن را بالا برد؛ اما در آخرت، پست خواهد کرد! و [هرچند] ممکن است در میان مردم گرمی‌اش دارند؛ اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است.

۱۳. بی‌اعتمادی در دنیا

امام علی عَلِيٌّ منذر، پسر جارود عبدی را که از قبیله عبدالقیس بود، به بخشداری منطقه‌ای از کشور اسلامی، منصوب کرد؛ ولی او به بیت‌المال خیانت کرد و با بذل و بخشش‌های بی حساب و کتاب به دوستان و خویشان، بیت‌المال را غارت کرد. این خبر به امام علی عَلِيٌّ می‌رسد. آن حضرت در نامه‌ای تند، ضمن توبیخ و عزل، او را احضار می‌کند و می‌فرماید: «اگر آنچه به من گزارش رسیده، درست باشد، شتر خانه‌ات و بند کفش تو، از تو باارزش‌تر است و کسی که همانند تو باشد، نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نه می‌تواند کاری را به انجام رساند»^۱.

۱۴. گناه، نابودکننده نیکی‌ها:

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «اتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّهَا مَمْحَقَةٌ لِلْخَيْرَاتِ»^۲: از گناهان دوری کنید که گناه، نیکی‌ها را از بین می‌برد.

فقره دوم و سوم دعا

وَلَا تَضْرِبْنِي بِسَيِّطِ نَقْمَتِكَ وَ زَحْزِحْنِي فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ:

و به ضرب تازیانه قهرت، کیفر مکن و از موجبات خشم و غضبت دور گردان.

در فقره دوم دعا، به کیفر و تازیانه قهر و غضب الهی اشاره شده که آن هم بر اثر ارتکاب گناه و معصیت صورت می‌گیرد و در فقره سوم دعا، از خدا می‌خواهیم از خشم و غضبش ما را دور سازد.

۱. بحار الأنوار؛ ج ۷۰، باب ۱۳۸، ص ۳۶۶.

۲. همان.

خشم و غضب خداوند

در بسیاری از آیات قرآن، سخن از غضب و سخط الهی به میان آمده است؛ به ویژه درباره بنی اسرائیل که در آیات زیادی اشاره به غضب الهی نسبت به آنها؛ بلکه غضب بعد از غضب آمده است. تا آنجا که مغضوب علیهم در سوره حمد، از سوی جمعی از مفسران، به گناهکاران بنی اسرائیل که نه تنها در گذشته؛ بلکه در عصر و زمان ما نیز چهره تاریخ بشریت را سیاه کرده‌اند، تفسیر شده است. مفسران غضب الهی را به معنی کیفر عادلانه او در مورد گناهکاران در دنیا و آخرت تفسیر کرده‌اند. از امام باقر علیه السلام سؤال شد غضب خداوند چیست؟ حضرت فرمود: «غَضَبَ اللَّهِ تَعَالَى عِقَابُهُ»^۱ منظور از غضب خداوند متعال، عقاب و کیفر او است.

خوف و خشیت از غضب خدا:

در قرآن درباره چهارمین ویژگی بندگان خاص و ممتاز خداوند، چنین می‌خوانیم:

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا * إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا»^۲

بندگان ممتاز خداوند رحمان کسانی هستند که می‌گویند: پروردگارا! عذاب دوزخ را از ما برطرف گردان که عذابش سخت و پردوام است. قطعاً دوزخ بدترین جایگاه و محلی برای اقامت است.

خداوند در این آیه، به چهارمین ویژگی بندگان ممتاز الهی اشاره کرده؛ یعنی خوف و خشیت از خدا به عبارت روشن‌تر، آنها از کیفر نافرمانی خدا به شدت می‌ترسند و اعتقاد راسخ دارند که نافرمانی خدا و انجام گناه، به معنی اطاعت از فرمان شیطان است و چنین کاری موجب عذاب الهی و دخول به دوزخ خواهد شد.

۱. همان؛ ج ۴، ص ۶۸.

۲. فرقان: ۶۵ - ۶۶.

خوف، اهرمی برای ترک گناه:

خوف به معنی ترس و وحشت درونی است. از این رو اهرمی درونی برای ترک گناه و هرگونه جرم محسوب می‌شود؛ مثلاً خوف و ترس از قانون، دادگاه، جریمه، زندان و تعزیرات حکومتی باعث می‌شود که انسان مرتکب جرم نشود تا مبادا گرفتار این کیفرها گردد.

بنابراین خوف از خدا، به معنی ترس از ذات پاک او نیست؛ بلکه به معنی خوف از قانون و عدالت اوست. این خوف نیز از مقایسه اعمال خود، با عدل الهی حاصل می‌شود؛ بنابراین خوف، یک ناراحتی درونی از مجازاتی است که بازتاب گناه و ترک اطاعت خدا می‌باشد.

خوف و ترک گناه:

محمدابن سیرین، همیشه معطر و نظیف بود. روزی شخصی از او پرسید: علت اینکه تو همیشه بوی خوش می‌دهی، چیست؟ ابن سیرین گفت: قصه من عجیب است. آن شخص او را قسم داد که داستان خود را برایم تعریف کن.

ابن سیرین گفت: من در جوانی، بسیار خوش‌سیما بودم و حرفه‌ام بزازی بود. روزی خانمی به همراه کنیزکی به مغازه من آمدند و مقداری پارچه خریدند. چون قیمتش مشخص شد، گفتند: همراه ما بیا تا قیمت آن را به تو پرداخت کنیم.

در مغازه را بستم و همراه ایشان راه افتادم تا به جلو خانه آنان رسیدم. آنها به درون خانه رفتند و من پشت در ماندم. بعد از مدتی زن، بدون اینکه کنیزش همراهش باشد، مرا به داخل منزل دعوت کرد. چون داخل شدم، خانه‌ای دیدم که از فرش‌ها و ظروف عالی آراسته شده، مرا بنشانند و چادر از سر برداشت! او را در اوج زیبایی دیدم؛ خود را به انواع جواهرات آراسته بود. در کنار من نشست و با ظرافت و ناز و عشوه و خوش‌طبعی، با من به سخن گفتن پرداخت.

طولی نکشید که غذایی مفصل و لذیذ آماده شد. بعد از صرف غذا، آن زن به من گفت: ای جوان! می‌بینی که من پارچه و قماش زیاد دارم. قصد من از آوردن تو به اینجا، چیز دیگری است و من می‌خواهم با تو همبستر شوم و کام دل برآورم.

چون عشوه بازی‌ها و دلبری‌های او را دیدم؛ نفس اماره به سوی او میل کرد. ناگاه الهامی به من رسید که شخصی از سوره النازعات، این آیه را تلاوت کرد: «اما هرکس بترسد از مقام پروردگار خود و نفس خود را از پیروی هوای نفس باز دارد، به درستی که منزل و آرامگاه او بهشت خواهد بود»^۱.

وقتی به یاد این آیه افتادم، عزم خود را جزم نمودم که دامن خود را به این گناه آلوده نسازم. هرچه آن زن با من به دست بازی درآمد، من به او توجه نکردم. چون آن زن مرا مایل به خود ندید، به کنیزان خود گفت تا چوب زیاد آوردند و مرا محکم با طناب بستند. زن خطاب به من کرد و گفت: یا مراد مرا حاصل می‌کنی، یا تو را به هلاکت می‌رسانم. به او گفتم: اگر ذره‌ذره‌ام کنی، مرتکب این عمل زشت نخواهم شد. مرا با چوب، بسیار زدند؛ به طوری که خون از بدنم جاری شد. با خود گفتم: باید نقشه‌ای به کار بندم تا رهایی یابم.

گفتم: مرا نزنید! راضی شدم. دست و پایم را باز کردند. بعد از آزاد شدن، پرسیدم: محل قضای حاجت کجاست؟ راهنمایی کردند. رفتم در آنجا تمام لباس‌های خود را آلوده به نجاست کردم و با لباس‌های نجس بیرون آمدم. چون آن زن با کنیزان به طرف من آمدند، من دست نجاست‌آلود خود را به آنان نشان می‌دادم و به آنان می‌پاشیدم و آنها فرار می‌کردند.

پس فرصت را غنیمت شمردم و به طرف بیرون شتافتم. چون به در خانه رسیدم، در را قفل کرده بودند. وقتی دست به قفل زدم، به لطف پروردگار گشوده شد و من از خانه بیرون آمدم و خود را به کنار جوی آب رسانیدم، لباس‌های خود را شسته و غسل کردم.

ناگهان! دیدم که شخصی پیدا شد و لباس زیبایی برای من آورد و بر تنم پوشانید و بوی خوش به من مالید و گفت «ای مرد با تقوا! تو بر نفس خویش چیره گشتی و از روز جزا ترسیدی و خلاف فرمان الهی انجام ندادی و نهی او را نهی دانستی. این

۱. نازعات: ۴۰ - ۴۱.

وسیله‌ای بود برای امتحان تو و ما تو را از آن خلاص کردیم. دل فارغ دار که این لباس تو هرگز چرکین و این بوی خوش، هرگز از تو زایل نخواهد شد؛ پس از آن روز تا الآن بوی خوش از بدنم برطرف نگردیده است و خداوند مهربان و رؤوف، در پرتو لطف و محبت بی‌کران خودش، علم تعبیر خواب را به این جوان پاک عطا فرمود و در زمان او، کسی مثل او تعبیر خواب نمی‌کرد.

فقره چهارم دعا

بِمَنَّكَ وَ آيَادِيكَ يَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ:

به حق احسان و نعمت‌های تو به خلق، ای منتهای اشتیاق مشتاقان.

خدایا! آنچه را امروز از تو خواستم، با منت و بخشش بر من ببخش. خداوند متعال احسان‌های زیادی در حق بندگان خود داشته و نعمت‌های فراوانی به آنها داده است تا جایی که حضرت سیدالسادین، امام سجاد علیه السلام عرضه می‌دارند:

«إِلَهِي أَذْهَلْنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعُ طَوْلِكَ وَ أَعْجَزَنِي عَنْ إِخْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضُّ فَضْلِكَ وَ شَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُّفُ عَوَائِدِكَ وَ أَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي آيَادِيكَ وَ هَذَا مَقَامٌ مِّنْ اعْتَرَفَ بِسُبُوعِ النِّعْمَاءِ وَ قَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَ التَّضْيِيعِ وَ أَنْتَ الرَّؤُفُ الرَّحِيمُ...»^۱

خداوندا! نعمت‌های پی‌درپی تو، مرا از ادای وظیفه شکرگزاری غافل کرد و دریای فضل و کرامت تو، مرا از حمد و ستایش عاجز گردانید و عطای پیوسته‌ات، مرا از ذکر محامد اوصاف جمالت بازداشته و مرحمت‌های متوالی‌ات، مرا از نشر و بیان نیکویی‌هایت ناتوان ساخته است...

تو بسیار با رأفت و مهربان و با کرم و احسانی! و کسانی را که رو به تو آرند، محروم نکرده و احدی را که به تو چشم امید دارد، دور از درگاه کرمت نخواهی

۱. بخشی از مُنَاجَاتُ السَّاکِرِينَ.

فرمود. ای که امیدواران، همه به ساحت قدس تو بار افکنند و طالبان عطا، به عرصه عنایتت اقامت کنند! امیدهایی که به تو داریم، با ناامیدی رو برگردان و جامه نومیدی میپوشان.

خداوند چه کسانی را دوست دارد؟

خداوند متعال در قرآن کریم، گروهایی را به طور صریح نام برده که آنها را دوست دارد.^۱ از جمله:

- * «فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»^۲ خداوند، پرهیزگاران را دوست دارد.
- * «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۳ و خداوند، نیکوکاران را دوست دارد.
- * «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»^۴ و خداوند، صابران را دوست دارد.
- * «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»^۵ خداوند، توکل کنندگان را دوست می‌دارد.
- * «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۶ خداوند، عدالت پیشگان را دوست دارد.
- * «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»^۷ و خداوند، پاکیزگان را دوست دارد.
- * «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا»^۸ خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند.
- * «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ»^۹ خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد.

نشانه‌های دوستی خدا

چندین نشانه وجود دارد تا انسان بداند پروردگارش دوستش دارد:

۱. توفیق دینداری:

۱. برای آگاهی بیشتر رک: تفسیر نمونه؛ ج ۲.

۲. آل عمران: ۷۶.

۳. همان: ۱۳۴.

۴. همان: ۱۴۶.

۵. همان: ۱۵۹.

۶. مائده: ۴۲.

۷. توبه: ۱۰۸.

۸. صف: ۴.

۹. بقره: ۲۲۲.

در حدیث آمده است که خداوند دنیا را به همه می‌دهد؛ اما دین را فقط به دوست‌داران خودش می‌دهد.

۲. آماده‌شدن زمینه عبادت:

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هر وقت خداوند بنده‌ای را دوست داشته باشد، به او عبادت کردن را الهام می‌کند و امانت‌داری را محبوب او می‌گرداند».

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر وقت خداوند بنده‌ای را دوست داشته باشد، فرمان‌بری را به او الهام می‌کند و گرایش به قناعت، فهم در دین و عفت‌داشتن را به او عطا می‌کند».

۳. سنگین شدن گناه بر بنده:

خداوند گناه را بر بنده‌ای که او را دوست دارد، گران کرده است و انجام گناه به راحتی برای او مهیا نمی‌شود.

۴. همنشینی با انسان‌های محبوب خداوند:

در حدیث قدسی است که خداوند می‌فرماید: «بنده من! اگر مرا بجویی، می‌یابی که اگر مرا یافتی، همه چیز را یافته‌ای و اگر مرا از دست بدهی، همه چیز را از دست داده‌ای».

۵. کثرت به یاد خدا بودن:

«رَأَيْتَ عَبْدِي يُكثِرُ ذِكْرِي فَأَنَا أَذِنْتُ لَهُ فِي ذَلِكَ وَأَنَا أَحَبُّهُ»^۱ اگر بنده‌ام را ببینی که زیاد به یاد من است، خودم چنین اجازه‌ای به او داده‌ام و او را دوست می‌دارم.

۶. آرامش درونی و شکیبایی:

«إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا زَيَّنَّهُ بِالسَّكِينَةِ وَالْحِلْمِ»^۲ هنگامی که خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، او را با زیور آرامش و شکیبایی می‌آراید.

۷. قلبی پاک و اخلاقی متعادل:

«إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا رَزَقَهُ قَلْبًا سَلِيمًا وَخُلُقًا قَوِيمًا»^۳

۱. میزان الحکمه؛ ج ۲، ص ۲۲۳، ح ۳۱۳۶.

۲. همان؛ ص ۲۲۴، ح ۳۱۴۰.

۳. همان؛ ح ۳۱۴۵.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هرکس که می‌خواهد بداند جایگاهش پیش خداوند چگونه است و خداوند او را چه اندازه دوست دارد، باید ببیند که جایگاه خداوند پیش او چگونه است و او خداوند را چه اندازه دوست دارد. از این رو در فقره آخر دعای این روز، از خداوند مسئلت می‌نماییم خدایا! به حق آن نعمت‌هایی که به بندگانت عطا نموده‌ای و با توجه به رغبتی که نسبت به بندگانت داری، حوائجی که در این روز از تو مسئلت نمودم را به اجابت برسان.